

بررسی و تحلیل رابطه بین سبک های تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان

مریم اولیایان

کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

نام نویسنده مسئول:

مریم اولیایان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۵

چکیده

هدف تحقیق تعیین رابطه بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان است. روش تحقیق توصیفی از همبستگی بود و به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه های استاندارد بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۰)، پرسشنامه هوش اخلاقی MCI لنین و کیل (۲۰۰۵) و پرسشنامه سبک ها تفکر رابرت استرانبرگ (۱۹۹۱) استفاده شد، که روایی و پایایی آنها مورد تایید قرار گرفت. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS با روش های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته تحقیق با استفاده از آزمون رگرسیون خطی چندگانه نشان داد که بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی به میزان ۰/۶۲۷ با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه وجود دارد. سبک های تفکر تقریباً ۴۳ درصد و هوش اخلاقی تقریباً ۵۲ درصد از تغییرات در بهزیستی روانشناختی دانش آموزان را پوشش می دهند.

واژگان کلیدی: سبک تفکر، هوش اخلاقی، بهزیستی روانشناختی.

مقدمه

در طول تاریخ، فلاسفه و رهبران مذهبی عقیده داشتند که داشتن عشق و معرفت و عدم دلبستگی به دنیا و متعلقات آن، عامل تکامل و بهزیستی است. معتقدین به اصل سودگرایی، مانند جرمی بنتهام اعتقاد داشتند که وجود خوشی و لذت، و عدم حضور درد در زندگی فرد، به بهزیستی می انجامد. به این ترتیب، می توان گفت که این دسته از افراد بر لذت هیجانی، روانی و جسمانی تاکید داشتند.

با توجه به آنکه از ویژگی های عمده انسان آگاهی او از رفتار خود و برخورداری وی از نیروی تفکر است، انسان می تواند از رفتار خود آگاه باشد و در برخورد با مسائل و امور مختلف از نیروی تفکر خود استفاده کند، اما انسان همیشه از آنچه که انجام می دهد آگاه نیست، به سخن دیگر گاهی انسان عملی را انجام می دهد که اما از انگیزه رفتار خود یا هدف آن رفتار آگاه نمی باشد (انصاف، ۱۳۹۲: ۱۱).

از آنجا که دانش آموزان به عنوان آینده سازان کشور ایفای نقش می کنند و نقش مهمی در پیشرفت و تعالی یک کشور دارند، توجه به سلامت و بهزیستی روانشناختی آن ها بسیار حائز اهمیت است. بنابراین آشنا ساختن معلمان و دانش آموزان با بهزیستی روانشناختی، ابعاد و اهمیت آن و مولفه های تاثیرگذار بر آن می تواند از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد.

بیان مساله

افراد با احساس بهزیستی بالا به طور عمده ای هیجانات مثبت را تجربه می کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند، در حالی که افراد با احساس بهزیستی پایین حوادث و موقعیت زندگی شان را نامطلوب ارزیابی می کنند و بیشتر هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می کنند (بیانی، ۱۳۹۵: ۲۹).

سبک تفکر بنا به شرایط خاص مدرسه می تواند باعث بهبود و یا عدم بهبود عملکرد دانش آموزان گردد و این بستگی به اهداف و ویژگی های محیط مدرسه دارد. ولی آنچه مسلم است در هر کاری احترام به نیازها و ارزش های مورد نظر دانش آموزان می تواند در رسیدن به اهداف و اثربخش بودن مدیریت آن مدرسه مؤثر باشد. سبک تفکر به عنوان مبنایی برای طریق برخورد و حل و فصل مسایل در شیوه عملکرد دانش آموزان، در اجرای وظایف خود تأثیر داشته. دانش آموزان دارای سبک های متفاوتی هستند. هر دانش آموزی بنا بر تجربیات فکری و آموزش های مکتسبه خود در مقابل وظایف محوله از راهکارهای متفاوتی بهره می گیرد (دهقانیان، ۱۳۹۰: ۱۱).

بنظر می رسد از جمله تغییرهای تاثیرگذار بر سلامت روان و بهزیستی روانشناختی دانش آموزان می تواند سبک تفکر و میزان برخورداری از هوش اخلاقی باشد. در زمینه سبکهای تفکر و هوش اخلاقی و ارتباط آن با بهزیستی روانشناختی و سلامت روان محقق با تحقیقات فراوانی روبرو است اما چون بطور قطع نمی توان ادعا نمود که بین سبک تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه وجود دارد تحقیق حاضر درصدد آن است به بررسی این سوال بپردازد که آیا بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

طبق تعریف هایی که از سازه های هوش مطرح شده و تحقیقات داخلی و خارجی که انجام شده روانشناسان به دنبال رسیدن به جواب این سوال هستند که کسانی که هوش هیجانی و اجتماعی، معنوی و اخلاقی بهتری نسبت به دیگران دارند، آیا بهزیستی بهتری هم دارند؟ و از کیفیت زندگی بهتر برخوردار هستند. بهزیستی روانشناختی به عنوان یکی از مولفه های اصلی سلامت عمومی و رضا مندی در خلال دو دهه گذشته توجه بسیاری از روانشناسان و محققان را به خود جلب کرده است و پژوهشهای گسترده ای در این رابطه صورت گرفته است (نبی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶).

سبک های تفکر می تواند یکی از عوامل اساسی در بهزیستی روانشناختی باشد. اینکه افراد ترجیح می دهند چگونه بیاندهند می تواند به اندازه اینکه تا چه حد خوب می اندیشند حائز اهمیت باشد. سبکهای تفکر ما را قادر می سازند به توانایی های خود پی ببریم و متناسب با آنها به فعالیت بپردازیم. تمایز بین سبک و توانایی امر دشواری است. توانایی به این امر اشاره می

کند که فرد چه کاری می تواند انجام دهد. سبک به این امر اشاره می کند که فرد دوست دارد یک کار را چگونه انجام دهد و مطمئناً توانایی ها برای موفقیت در هر کاری بسیار حائز اهمیت است (رحیم پور ، ۱۳۹۵: ۳۸).

اهداف تحقیق

هدف اصلی: تعیین رابطه بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان .
اهداف فرعی:

- تعیین رابطه بین هوش اخلاقی با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان .
- تعیین رابطه بین سبک های تفکر با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان .

فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی

بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.
فرضیه های فرعی:

- بین هوش اخلاقی با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.
- بین سبک های تفکر با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

-سبک های تفکر

منظور از تفکر فرایندی است که توسط آن یادگیری های گذشته دستکاری و سازماندهی می شوند عبارت دیگر تفکر به عنوان دخل و تصرف و ایجاد تغییر در اطلاعات ذخیره شده حافظه است ، بنابراین سبک تفکر به عنوان طریقی که فرد می اندیشد تعریف شده است یعنی سبک تفکر به چگونگی استفاده ما از توانایی هایمان اشاره دارد (سیف ، ۱۳۸۷ : ۵۹).

-هوش اخلاقی

هوش اخلاقی اشاره به توانایی اعمال اصول اخلاقی در اهداف شخصی، ارزش ها و فعالیت های فرد دارد و به مفهوم ظرفیت و توانایی درک مسائل خوب از مسائل بد است. هوش اخلاقی شامل گستره ی فراشناختی یا فرارعملی است که واکنش شناخت ها، نگرش ها و فعالیت های اخلاقی را در چارچوب سیستم های ارزشی فردی امکان پذیر می سازد. هوش اخلاقی، هوش حیاتی برای همه انسان ها است (نقطه عطفی برای تمام هوش ها محسوب می شود)، به دلیل اینکه هوش اخلاقی اشکال دیگر هوش را به انجام کارهای ارزشمند هدایت می کند (ابطحی و ندری، ۱۳۹۰: ۸۶).

-بهزیستی روانشناختی

بهزیستی روانشناختی نوعی رضایتمندی و خرسندی افراد از کیفیت زندگی است که حالتی مثبت از رفاه جسمانی، روان شناختی و اجتماعی را شامل می شود (بیانی ، ۱۳۹۵: ۱۱).

اجزا و عناصر بهزیستی روان شناختی

معنویت

رشد و بالندگی فردی

رضایت از زندگی

شادی

روابط مثبت با دیگران

خویشتن پذیری

معناداری

سازگاری و تسلط بر محیط

خود-پیروی

خوش بینی

هدف در زندگی

با توجه به نقش بسزایی که بهزیستی در ابعاد مختلف زندگی روانی-اجتماعی و حتی جسمی فرد دارد، بدیهی است که هر یک از این ابعاد و مؤلفه‌ها سهم زیادی در بهبود وضعیت روانی و اجتماعی شخص دارند، با این مقدمه کوتاه، به بررسی هر یک از مؤلفه‌ها می‌پردازیم (احمدوند، ۱۳۹۱: ۲۶).

کلیات سبک تفکر

مفهوم تفکر

تفکر عبارتست از: توانایی به کار بردن قوای استنباط، تصور و تشخیص به منظور دستیابی به یک نتیجه. یکی از موانع سر راه تفکر این است که انسان در مواقع عادی کمتر فکر خویش را به کار می‌اندازد و نیروی تفکر معمولاً در حالت اضطراری و بحرانی فعال می‌شود تا مادامیکه افراد می‌توانند کاری را به روال عادت انجام دهند قوای فکری آنان به کار نخواهد افتاد. فقط آنگاه که روال عادی کار بهم خورد یا امکان شکست پیش آید عمل اندیشیدن انجام خواهد گرفت. به عبارت دیگر مغز بشر نوعی ارگان عمل کننده در حالت اضطراری است و فقط آن زمان به کار می‌افتد که نظم موجود قادر به پیشبرد کار نباشد. به همین دلیل جمود روانشناختی (اینرسی روانی) فرهنگ قالبی و دنباله روی بی چون و چراست که افراد به درک وجود راه حل‌های گوناگون برای تسلط بر مشکلات نائل نمی‌شوند (مصلی، ۱۳۹۴: ۴۵).

انواع تفکر

تفکر حسی در چهارسطح روشن می‌شود: اول اینکه فعال ترین سطح آن بوسیله استعداد بخاطر آوردن منظره هائی که شخص قبلاً تخیل نموده مشخص می‌شود و فرد منظره ای را که قبلاً دیده است به همان صورت بخاطر می‌آورد. در این سطح، تخیل به اندازه احساس به صورتی زنده ظاهر می‌گردد. به طوریکه فرد غالباً در بخاطر آوردن اینکه آیا آنچه را می‌بیند واقعاً انجام داده یا درباره آن فکر کرده است دچار اشکال می‌شود. دومین سطح تفکر حسی که نسبت به سطح اول کمتر فعال می‌باشد عبارتست از: خودداری از آمیختن خاطرات تخیلی یا خاطرات ادراکی. این افراد به ندرت آنچه را که واقعاً انجام داده اند با آنچه که درباره انجام آن فکر کرده اند درهم می‌آمیزند. سومین سطح تفکر حسی وقتی حاصل می‌شود که فرد تفکر خود را با کلمات محدود می‌سازد و از خلق منظره در ذهن خویش خودداری می‌کند. وقتی از چنین فردی خواسته می‌شود که منظره را در خاطر خود مجسم سازد یا تخیل کند او این امر را به صورتی مبهم انجام می‌دهد بعداً اگر از او درباره منظره ای که دیده سؤالی شود او سعی می‌کند با استفاده از کلمات درباره منظره آنچه به نظر خودش معقول می‌رسد بیان دارد. چهارمین سطح تفکر حسی در فردی ظاهر می‌شود که به هیچ وجه نمی‌تواند منظره را مجسم کند. تجسم منظره ای که دیده برای او کاملاً بی معنی یا به صورتی غیر عادی ظاهر می‌شود. تأکید بیش از حد درباره اختلاف افراد در زمینه های تفکر حسی مشکل است عدم توافق و سوء تفاهم موجود در بحثهای خانوادگی و حتی کنفرانسهای بین المللی ممکن است از همین منبع ناشی شوند. وقتی کسی انجام کاری را پیشنهاد می‌کند، موافقت درباره کلمات پیشنهاد و نتایج آن یک چیز است و قبول تعهد انجام آن کار، پس از برخورد به نتایج آن، امری دیگری باشد.

اصول سبکهای تفکر

۱- سبکهای تفکر توانایی نیستند بلکه رجحانهایی هستند برای به کارگیری تواناییها: اگر تفاوتی بین سبکهای تفکر و توانایی ها وجود نداشت صحبت از مفهوم سبک ها ضرورتی پیدا نمی کرد. سبکهایی که از توانایی قابل تشخیص نیستند از نظر دور می مانند.

۲- افراد دارای الگوهای سبک تفکر هستند: ملاک سبکهای تفکر آن چنان که در توانایی ها مطرح است تک بعدی نیست. افراد در انواع شیوه هایی که به کار می گیرند متفاوت هستند. معمولاً ما به این امر گرایش داریم که امور را به صورت تک بعدی در نظر بگیریم و این ویژگی، از شیوه تفکر اوایل کودکی باقیمانده است، وقتی که خود میان بین بودیم، عملکرد افراد تک بعدی مانند عملکرد کودکان است مثلاً یک کودک هفت ساله فکر می کند اگر شما آب را از یک لیوان بلند و باریک در یک لیوان کوتاه و حجیم بریزید، مقدار آن در لیوان اصلی بیشتر بوده است. اگر فکر کنیم که یکی از دو بعد باید وجود داشته باشد در درک این موضوع که افراد در سبک های تفکر و شیوه هایی که به کار می گیرند چند بعدی هستند، دچار مشکل خواهیم شد.

۳- سبکهای تفکر در موقعیتهای مختلف متفاوت هستند: سبکهای تفکر نه تنها با توجه به تکالیف و وظایف بلکه با توجه به موقعیتهای نیز تغییر می کنند. در هنگام مسافرت اگر با کسی مسافرت کنید که از همراهی با او لذت می برید مشتاق هستید حتی مسیر خود را از یک جاده فرعی انتخاب کنید تا بیشتر در کنار هم باشید اما اگر همسفر شما کسی باشد که از او خوستان نمی آید به او می گوئید کوتاه ترین مسیر ممکن برای رسیدن به مقصد را انتخاب کند.

۴- پایداری در سبکهای تفکری که افراد ترجیح می دهند متفاوت است: بعضی از افراد برای کار کردن با دیگران بیش از حد اصرار می کنند، در حالی که عده ای چنین اصراری ندارند- یا با دیگران کار می کنند یا آنها را ترک می کنند. فرصتهای ایجاد شده برای کار با دیگران یکی از جنبه های انتخابهای شغلی است.

۵- افراد در انعطاف پذیری نسبت به سبکهای تفکر خود متفاوت هستند: کلید سازگاری انعطاف پذیری در سبک تفکر است. این نعمت برای هر کسی وجود ندارد که در یک محیط همیشه ترجیحات سبک تفکرش مورد حمایت قرار گیرد. اکثر افراد انعطاف پذیر می توانند در سازگاری با موقعیتهای متفاوت بهتر عمل کنند. انعطاف پذیری در تمامی جنبه های زندگی با ارزش است - در مدرسه، شغل، ارتباط با دیگران و حتی با خودمان- تصور کنید تا چه حد معلمان می توانند کارایی بیشتری داشته باشند اگر بتوانند در کلاس درس خودشان را با سبک های مختلف تفکر وفق دهند، و با کار کردن با فردی که به ما اجازه دهد خودمان باشیم و آنطور که می توانیم کار را انجام دهیم چقدر آسان خواهد شد. مزیت های انعطاف پذیری به حدی گسترده است که شخص تعجب می کند چرا ما این انعطاف پذیری را در تدریس به دانش آموزان و یا کارکنان بکار نمی گیریم.

۶- سبک های تفکر دارای ویژگی جامعه: کودکان الگوهای نقش را مشاهده می کنند و برخی از ویژگیهای این الگوها را درونی می سازند. بنابراین کودکانی که الگوهای مقتدرانه را مشاهده می کنند، مستعد مقتدر شدن هستند، آنهایی که الگوهای انعطاف پذیر را مشاهده می کنند، احتمالاً انعطاف پذیر خواهند شد (سیف، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

انواع تفکر در سازمان

وجه تمایز شیوه برخورد مدیران با مسائل، دو نوع تفکر متضاد یعنی «سیستماتیک» و «شهودی» است. آنهایی که تفکر سیستماتیک دارند با مسائل به صورت عقلایی و تحلیلی برخورد می کنند. متفکران شهودی انعطاف پذیری و خودجوشی بیشتری از متفکران سیستماتیک دارند و ممکن است کاملاً خلاق باشند. آنها ممکن است بر اساس بررسی کلی وضعیت و راه حل های مختلف عمل، به نحو ابتکاری به مسأله پاسخ دهند. از آنها انتظار می رود که به بسیاری از جنبه های مختلف مسأله یکباره بنگرند، و به سرعت از یک مسأله به مسأله دیگر بروند و «عواقب» کار را بر اساس اندیشه های خودجوش در نظر آورند.

الف) تفکر چند بعدی:

تفکر چند بعدی عبارت است از قابلیت نگرش به مسائل متعدد در آن واحد در ارتباط با یکدیگر و با در نظر گرفتن بعد زمان در بلند مدت و کوتاه مدت. اهمیت این شیوه تفکر هر چه مدیر به رده های بالاتر ارتقاء می یابد و مسؤولیت مدیریتش وسیعتر می شود، افزایش می یابد. در میان همه چالشهای روزانه مربوط به مجموعه ای از مسائل مختلط پیچیده و متغیر باز هم لازم است

که همراه با حل هر مسأله جهت کلی را حفظ کنیم. توانایی انجام این کار فرصت طلبی استراتژیک نامیده می شود، یعنی توانایی توجه داشتن به هدفهای بلندمدت و در عین حال داشتن انعطاف پذیری لازم برای حل مسائل کوتاه مدت و پرداختن به فرصتها در زمان مناسب (دهقانیان، ۱۳۹۰: ۹۳).

(ب) تفکر استراتژیک:

وضع تفکر استراتژیک در بیش از یک دهه گذشته در حوزه مدیریت استراتژیک بسیار مورد توجه بوده و در تحقیقات بسیاری به اهمیت دارا بودن قابلیت تفکر استراتژیک برای مدیران اشاره شده است. تفکر استراتژیک به عنوان یکی از دو قابلیت اصلی رهبران دارای عملکرد برجسته بر شمرده شده است. از دیدگاه مینزبرگ، تقویت تفکر استراتژیک، به تدوین استراتژیهای بهتر منجر می شود. او معتقد است مدیرانی که مجهز به قابلیت تفکر استراتژیک هستند قادرند، سایر کارکنان را به یافتن راهکارهای خلاقانه برای موفقیت سازمان ترغیب کنند. آنها سازمان را آنگونه که باید باشد می بینند نه آنگونه که هست. به این ترتیب می توان تفکر استراتژیک را پیش درآمدی بر طراحی آینده سازمان دانست. همگام با روند جهانی افزایش گرایش به بهره گیری از ابزارها و تکنیک های مدیریت استراتژیک، در کشور ما نیز به دلایلی از جمله خصوصی سازی و آمادگی جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی، احساس نیاز به بکارگیری مؤثر چنین ابزارهایی رو به افزایش است.

آبراهام تفکر استراتژیک را شناسایی استراتژیهای قابل اطمینان و یا مدل های کسب و کاری می داند که به خلق ارزش منجر شوند. او معتقد است جستجو برای یافتن گزینه های استراتژیک مناسب، که معمولاً به عنوان بخشی از فرآیند مدیریت استراتژیک انجام میگردد، در واقع نتیجه عملی تفکر استراتژیک است. تفکر استراتژیک یک فرآیند مداوم است که هدف آن رفع ابهام و معنا بخشیدن به یک محیط پیچیده است، این فرآیند تجزیه و تحلیل موقعیت و همچنین ترکیب خلاقانه نتایج تحلیل در قالب یک برنامه استراتژیک موفقیت آمیز را در بر می گیرد. در مقابل، برنامه ریزی استراتژیک غالباً برای اشاره به یک فرآیند تحلیلی و برنامه ریزی شده مورد استفاده قرار می گیرد. برنامه ریزی استراتژیک به مجموعه مفاهیم، رویه ها و ابزارهایی گفته می شود که جهت کمک به رهبران، مدیران و برنامه ریزان برای تفکر و اقدام استراتژیک طراحی شده اند. برنامه ریزی استراتژیک جایگزینی برای تفکر نیست بلکه این دو در یک فرآیند مشخص با یکدیگر در تعامل بوده و هر دو برای مدیریت استراتژیک اثربخش ضروری به شمار می روند.

برنامه ریزی استراتژیک همانگونه که اشاره شد، مجموعه ای از تئوری ها و چهارچوب هایی است که به همراه ابزارها و تکنیک های تکمیلی برای کمک به مدیران برای تفکر، برنامه ریزی و اقدام استراتژیک طراحی شده اند. استراتژیهای خلاقانه و منحصر به فرد که حاصل تفکر استراتژیک هستند باید از طریق تفکر همگرا و تحلیل یا به عبارت دیگر برنامه ریزی استراتژیک عملیاتی شود (دهقانیان، ۱۳۹۰: ۹۴).

معنا و مفهوم تفکر انتقادی

فکر انتقادی به افراد در حل مسائل، تصمیم گیری در موقعیتهای زندگی و شکل گیری هویت و عادت با ثبات در شخص کمک میکند. شاخص ترین پایه شخصیت فرد، میل به اندیشیدن و توانایی فکر به صورت انتقادی است. تفکر انتقادی به افراد در حل مسائل، تصمیم گیری در موقعیتهای زندگی و شکل گیری هویت و عادت با ثبات در شخص کمک میکند. جامعه هر چقدر پویاتر باشد، نیاز به اندیشمندان انتقادی بیشتر احساس میشود. جامعه همواره نیازمند متفکرانی است که از قضاوت خوب درباره مسائل جامعه خویش برخوردارند و میدانند که چه زمانی و چگونه مهارتهای تفکر را در جامعه خویش بکار گیرند، برخورداری از تفکر انتقادی در جامعه سیاسی به افراد یاری میرساند تا شهروندانی آگاه و مطلع باشند و آزادی حقیقی را تجربه کنند. بنابراین، تفکر انتقادی بعنوان مهارتهای فرد در تعبیر و تفسیر، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و نیز شناسایی پدیده های اجتماعی، منبعی نیرومند در زندگی مدنی و سیاسی محسوب میشود.

تفکر انتقادی

زندگی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و چشم انداز روشنی، اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع‌آوری و ترکیب کنند و با یک داوری خوب، آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای ناممکن بپرهیزند. در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیم‌های اساسی نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی هستند. برای اینکه فرد بتواند تصمیم مهمی در زندگی بگیرد، میبایست قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد. داشتن توانایی و مهارت تفکر انتقادی به اشخاص اجازه میدهد تا بتوانند در زندگی، اطلاعات پیرامون خود را پردازش نمایند، بطور عینی به استدلال و استخراج نتایج از انواع متنوع اطلاعات پرداخته و بطور مؤثر، عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات بپردازند و با وجود اطلاعات ناقص، تصمیم‌گیری معقول و مستدلی اتخاذ نمایند. در واقع، خردمند هر کاری را به فرمان خرد و اندیشه می‌کند. بنابراین تفکر انتقادی، تفکر جوابگومسئول و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود، دیگران و جامعه در زمان حال منجر میشود. تفکر انتقادی، تفکر اصلاح‌گراست، بطوریکه بر کشف نقاط ضعف و اصلاح کاستیهای افراد تأثیر میگذارد. بنابراین تفکر انتقادی را بایستی بعنوان یک فرایند درونی دانست که به موجب آن، وضعیت مشکل زای زندگی بطور نقادانه مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد و راههای برون رفت از مشکل، بطور خردمندانه تشخیص داده می‌شود (تورانی، ۱۳۹۱: ۷۴).

هوش اخلاقی

اخیراً اصطلاح جدیدی با عنوان هوش اخلاقی توسط بوربا وارد شده است. وی هوش اخلاقی را اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند هوش اخلاقی به معنی توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است. هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شویم؛ بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری برای خوب بودن، شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان پذیر نیست. آنچه که ما برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم، همان هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوشمندانه و دستیابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم. در هر بخشی از زندگی به بهترین اطلاعات قابل دسترس می‌رسیم، خطرات را به حداقل می‌رسانیم و نسبت به پیامدهای آن خوش بین هستیم. افراد با هوش اخلاقی بالا کار درست را انجام می‌دهند، اعمال آنها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد بالایی دارند و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند می‌دهند (مشایخ، ۱۳۹۱: ۸۶).

هفت اصل ضروری هوش اخلاقی

اصول هوش اخلاقی از دیدگاه بوربا به شرح زیر می‌باشد:

۱. هم‌دردی: تشخیص احساسات و علایق افراد که شامل مراحل زیر است:

الف. پرورش آگاهی؛

ب. افزایش حساسیت نسبت به احساس‌های دیگران؛

ج. همدردی با دیدگاه اشخاص دیگر.

۲. هوشیاری: دانستن راه صحیح و درست و عمل در همان راه، که شامل:

الف. ایجاد زمین‌های برای رشد اخلاقی؛

ب. ترویج معنویت برای تقویت هوشیاری و هدایت رفتار؛

ج. پرورش انضباط اخلاقی برای کمک به افراد به منظور یادگیری درست از خلاف.

۳. خودکنترلی: کنترل و تنظیم تفکرات و اعمال خود به طوری که بر هر فشار از درون

و بیرون ایستادگی کنیم و در همان راهی عمل کنیم که احساس می‌کنیم درست است، که شامل:

الف. الگوسازی و اولویت‌بندی خودکنترلی افراد؛

- ب. تشویق افراد به خودانگیزی؛
- ج. آموزش راه هایی به افراد برای رویارویی با وسوسه ها و تفکر قبل از عمل.
۴. توجه و احترام: ارزش قائل شدن برای دیگران با رفتار مؤدبانه و با ملاحظه، که شامل:
- الف. انتقال معانی توجه به افراد از طریق آموزش دادن؛
- ب. افزایش توجه به اقتدار و بی توجهی به بی ادبی و بی احترامی؛
- ج. تأکید بر رفتارهای خوب، ادب و تواضع که به عنوان تعارف در نظر گرفته می شود.
۵. مهربانی: توجه به نیازها و احساس های دیگران، که شامل:
- الف. تدریس معنی و ارزش مهربانی؛
- ب. ایجاد آستانه تحمل صفر برای زشتی و بدی؛
- ج. تشویق مهربانی و خاطر نشان کردن اثرهای مثبت آن.
۶. صبر و بردباری: توجه به شأن و حقوق تمام افراد حتی آنان که عقاید و رفتارشان با ما مخالف است، که شامل:
- الف. پرورش صبر و تحمل از سنین پایین؛
- ب. القای درک تنوع و گوناگونی؛
- ج. مخالفت با کلیشه سازی و عدم تحمل تعصبات بی جهت.
۷. انصاف: انتخاب های عقلانی و عمل به شیوه منصفانه، که شامل:
- الف. رفتار با دیگران به طور منصفانه؛
- ب. کمک به دیگران برای داشتن رفتار منصفانه؛
- ج. تدریس رو شهایی به افراد برای مقاومت در مقابل بی انصافی و بی عدالتی (آراسته و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

اصول هوش اخلاقی در مدیریت

- لنیک و کیل (۲۰۰۵) هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از اشتباه می دانند که با اصول جهانی سازگار است. به نظر آنان، چهار اصل هوش اخلاقی زیر برای موفقیت مداوم سازمانی و شخصی ضروری است:
- ۱- درستکاری: یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن معتقدیم و آنچه که به آن عمل می کنیم. انجام آنچه که می دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زما نها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه ای عمل می کند که با اصول و عقایدش سازگار باشد.
 - ۲- مسئولیت پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن، همچنین اشتباه ها و شکس تهای خود را نیز می پذیرد.
 - ۳- دل سوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دل سوز باشیم، آنان نیز در وقت نیاز با ما همدردی می کنند.
 - ۴- بخشش: آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباه های دیگران (بهشتی فر، ۱۳۹۱: ۶۳).

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر نوع استنتاج داده ها استقرایی و از نظر هدف کاربردی است. همچنین این تحقیق از روش های تحقیق توصیفی نیز محسوب خواهد شد چون تحقیق حاضر درصدد توصیف میزان رابطه بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران میباشد از این رو در زمره تحقیقات توصیفی قرار میگیرد و از سوی دیگر با توجه به آنکه تحقیق حاضر به بررسی روابط بین متغیرها می پردازد بنابراین روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می باشد.

جامعه تحقیق

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل می باشند اعم از دانش آموزان دختر و دانش آموزان پسر است، که بر اساس آمار ثبت شده در اداره کل آموزش و پرورش منطقه ۱۶ شهر تهران تعداد ۳۷۸۴۲ نفر دانش آموز در این منطقه مشغول به تحصیل می باشند.

ابزار تحقیق

الف) پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۰):

پرسشنامه فوق از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول در برگرنده سؤالاتی است که به ویژگی های جمعیت شناختی دانش آموزان می پردازد و قسمت دوم که حاوی ۷۷ سوال پنج گزینه ای است که آزمودنی پاسخ خود را در مورد هر سوال در دامنه ای از نمرات ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) ابراز می نماید پرسشنامه بهزیستی روانشناختی از ۶ زیر مقیاس رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی تشکیل شده است. در جدول زیر خرده مقیاس ها و سوالات مرتبط با آن به تفکیک مشخص شده است.

ب) پرسشنامه هوش اخلاقی MCI لنین و کیل (۲۰۰۵):

پرسشنامه فوق در سال ۲۰۰۵ توسط لنین و کیل در ۴۰ سوال ۵ گزینه ای جهت تعیین میزان برخورداری از هوش اخلاقی تدوین شده است. این پرسشنامه از ۱۰ زیر مقیاس عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزشها و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق (ایستادگی بخاطر حقیقت)، وفای به عهد، مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی، اقرار به اشتباهات و شکستهها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، فعالانه علاقمند بودن به دیگران (اهمیت دادن خود جوش به دیگران)، توانایی در بخشش اشتباهات خود، توانایی در بخشش اشتباهات دیگران) تشکیل شده است که شیوه نمره گذاری برای ۱۰ عامل یکسان می باشد.

ج) پرسشنامه سبک ها تفکر رابرت استرانبرگ (۱۹۹۱):

این پرسشنامه حاوی ۲۴ سوال ۵ گزینه ای است که آزمودنی پاسخ خود را در مورد هر سوال در دامنه ای از نمرات ۱ تا ۵ ابراز می نماید، این پرسشنامه از ۳ بعد سبک تفکر اجرایی، سبک تفکر قانون گذارانه و سبک تفکر قضاوتی تشکیل شده است.

چگونگی تعیین روایی و پایایی ابزار تحقیق

روایی پرسشنامه

مقصود از روایی آن است که ابزار اندازه گیری واقعا بتواند خصیصه مورد نظر را اندازه بگیرد و نه متغیر دیگری را، به عبارت دیگر منظور از روایی یک تحقیق، میزان دقت شاخص ها و معیارهایی است که در راه سنجش پدیده مورد نظر تهیه شده اند. با توجه به اینکه پرسشنامه های بهزیستی روانشناختی، هوش اخلاقی و سبک ها تفکر استاندارد می باشند، روایی آنها در مطالعات متعدد خارجی و داخلی تایید شده است. از سوی دیگر اساتید راهنما و چند تن از متخصصین پرسشنامه ها را به لحاظ روایی صوری و محتوایی مورد بررسی و تأیید قرار داده اند.

پایایی (اعتبار) پرسشنامه:

اعتماد یا پایایی مسئله کمی و تکنیکی است و بیشتر ناظر به این سؤال است که ابزار اندازه گیری با چه دقت و صحتی پدیده یا صفت مورد نظر را اندازه گیری می کند. با توجه به اینکه پرسشنامه های بهزیستی روانشناختی، هوش اخلاقی و سبک های تفکر استاندارد می باشند، پایایی آنها در مطالعات متعدد خارجی و داخلی تایید شده است اما به منظور حصول اطمینان بیشتر پرسشنامه های فوق بین ۳۵ نفر از دانش آموزان توزیع و پس از پاسخگویی جمع آوری شد، آنگاه جهت بررسی میزان پایایی از نرم افزار SPSS استفاده گردید و با بهره مندی از روش آلفای کرونباخ مقدار پایایی ۰/۸۲۳ برای پرسشنامه بهزیستی روانشناختی،

مقدار پایایی ۰/۸۴۶ برای پرسشنامه هوش اخلاقی و مقدار پایایی ۰/۸۰۶ برای پرسشنامه سبک های تفکر بدست آمد. در جداول ذیل میزان پایایی پرسشنامه ها و خرده مقیاس های آن به تفکیک نمایش داده شده است.

جدول ۱: میزان پایایی پرسشنامه استاندارد بهزیستی روانشناختی

پرسشنامه	میزان پایایی گزارش شده	میزان پایایی هنجار یابی شده
بهزیستی روانشناختی	۰/۸۱۲	۰/۸۲۳
رشد و بالندگی فردی	۰/۸۶۱	۰/۸۱۹
خود پیروی	۰/۸۵۲	۰/۸۱۰
ارتباط مثبت با دیگران	۰/۸۳۶	۰/۸۴۹
رضایت از زندگی	۰/۸۴۷	۰/۸۷۲
معنویت	۰/۸۵۹	۰/۸۶۱
شادی و خوشبینی	۰/۸۴۷	۰/۸۴۰

جدول ۲: میزان پایایی پرسشنامه استاندارد هوش اخلاقی

پرسشنامه	میزان پایایی گزارش شده	میزان پایایی هنجار یابی شده
	۰/۸۱۱	۰/۸۴۶
عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزشها و باورها	۰/۸۲۶	۰/۸۳۰
راستگویی	۰/۸۸۷	۰/۸۴۷
استقامت و پافشاری برای حق	۰/۸۹۰	۰/۸۶۹
وفای به عهد	۰/۸۲۳	۰/۸۱۰
مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی	۰/۸۶۱	۰/۸۵۵
اقرار به اشتباهات و شکستها	۰/۸۹۲	۰/۸۴۰
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	۰/۸۴۷	۰/۸۳۹
فعالانه علاقمند بودن به دیگران	۰/۸۲۶	۰/۸۱۱
توانایی در بخشش اشتباهات خود	۰/۸۵۹	۰/۸۲۲
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	۰/۸۸۰	۰/۸۹۰

روش تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور تجزیه و تحلیل و طبقه بندی، خلاصه کردن، توصیف و تفسیر و برقراری ارتباط از طریق اطلاعات جمع آوری شده جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق از روش های آماری توصیفی و استنباطی به شرح زیر استفاده شده است. از آمار توصیفی برای استخراج فراوانی ها و درصد پاسخگویی به هریک از گزینه ها و مقایسه و قابل فهم نمودن مقادیر یافته ها استفاده شده است. در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت تشخیص نرمال بودن داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون رگرسیون خطی چندگانه به منظور پی بردن به وجود یا عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرها استفاده شده است.

توصیف داده ها

جدول ۲: بررسی فراوانی جنسیت دانش آموزان

گروه ها	فراوانی	درصد
دختر	۲۲۶	۵۹/۵
پسر	۱۵۴	۴۰/۵
جمع کل	۳۸۰	۱۰۰

با توجه به داده های جدول ۲ می توان استدلال نمود که بیشترین فراوانی جنسیت شامل ۲۲۶ نفر معادل ۵۹/۵ درصد مربوط به دانش آموزان دختر و کمترین فراوانی با ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۵ درصد مربوط به دانش آموزان پسر دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران است.

جدول ۳: بررسی فراوانی نوع مدرسه دانش آموزان

گروه ها	فراوانی	درصد
دولتی	۲۲۰	۵۷/۹
غیر دولتی	۱۶۰	۴۲/۱
جمع کل	۳۸۰	۱۰۰

با توجه به داده های جدول ۳ می توان استدلال نمود که بیشترین فراوانی نوع مدرسه شامل ۲۲۰ نفر معادل ۵۷/۹ درصد مربوط به دانش آموزان مدارس دولتی و کمترین فراوانی با ۱۶۰ نفر معادل ۴۲/۱ درصد مربوط به دانش آموزان مدارس غیر دولتی دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران است.

جدول ۴: بررسی توزیع شاخصهای مرکزی و پراکندگی متغیر هوش اخلاقی و ابعاد آن

شاخص های آماری										
بیشترین فراوانی	کمترین فراوان	دامنه تغییرات	نما	میانه	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی	
۱۹۲	۱۰۳	۸۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۰/۱۴	۱۶۳/۴۱	۱۲/۷۸	-۰/۴۴	۰/۹۹	هوش اخلاقی
۲۰	۶	۱۴	۱۶	۱۶	۱۶/۰۲	۸/۰۶	۲/۸۳	-۰/۷۰	۰/۱۲	عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزشها
۲۰	۸	۱۲	۱۶	۱۶	۱۵/۶۹	۸/۹۲	۲/۹۸	-۰/۳۶	-۰/۵۶	راستگویی
۲۰	۹	۱۱	۱۵	۱۶	۱۵/۹۸	۵/۳۱	۲/۳۰	-۰/۳۲	-۰/۴۶	استقامت و پافشاری برای حق
۲۰	۵	۱۵	۱۵	۱۶	۱۵/۶۵	۶/۹۳	۲/۶۳	-۱/۲۹	۰/۳۹	وفای به عهد
۲۰	۴	۱۶	۱۴	۱۶	۱۵/۶۸	۶/۲۸	۲/۵۰	-۰/۵۱	۰/۸۸	مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی
۲۰	۸	۱۲	۱۶	۱۷	۱۶/۵۶	۴/۷۴	۲/۱۷	-۰/۸۲	۰/۵۷	اقرار به اشتباهات و شکستها

قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	۲۰	۸	۱۲	۱۶	۱۶	۱۶/۰۴	۵/۴۶	۲/۳۳	-۰/۴۴	۰/۱۸
فعالانه علاقمند بودن به دیگران	۲۰	۷	۱۳	۱۷	۱۶	۱۶/۰۳	۵/۰۲	۲/۲۴	-۰/۵۹	۰/۶۵
توانایی در بخشش اشتباهات خود	۲۰	۴	۱۶	۱۷	۱۷	۱۶/۳۴	۵/۱۴	۲/۲۶	-۰/۷۶	۰/۸۳
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	۲۰	۵	۱۵	۱۶	۱۶	۱۶/۱۰	۵/۹۴	۲/۴۳	-۰/۵۰	۰/۵۲

با توجه به داده های جدول ۴ می توان استدلال کرد که شاخص های مرکزی نما، میانه، میانگین برای نمره هوش اخلاق به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آنها با یکدیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۱۰۳ و حداکثر آن ۱۹۲ می باشد بنابراین، دامنه توزیع نمرات برابر با ۶۳ نمره می باشد، لازم به ذکر است که ۱۰ بعد هوش اخلاقی (عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزشها و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق، وفای به عهد، مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی، اقرار به اشتباهات و شکستها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، فعالانه علاقمند بودن به دیگران، توانایی در بخشش اشتباهات خود، توانایی در بخشش اشتباهات دیگران) هم گرایش به توزیع نرمال دارند. بیشترین میزان میانگین در بین ابعاد هوش اخلاقی با (۱۶/۵۶) به بعد اقرار به اشتباهات و شکستها و کمترین میزان آن نیز با (۱۵/۶۵) به بعد وفای به عهد اختصاص دارد.

جدول ۵: بررسی توزیع شاخصهای مرکزی و پراکندگی متغیر سبک تفکر و ابعاد آن

شاخص های آماری										
بیشترین فراوانی	کمترین فراوان	دامنه تغییرات	نما	میانه	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی	
۱۱۸	۶۲	۵۶	۹۳	۹۵	۹۳/۹۷	۱۰۴/۲۱	۱۰/۲۰	-۰/۵۱	۰/۵۴	سبک تفکر
۴۰	۱۷	۲۳	۳۲	۳۳	۳۲/۵۶	۲۱/۸۳	۴/۶۷	-۰/۹۴	۱/۱۶	تفکر اجرایی
۴۰	۲۰	۲۰	۳۲	۳۳	۳۲/۴۲	۱۷/۶۱	۴/۱۹	-۰/۶۰	۰/۴۶	تفکر قانون گزارانه
۴۰	۱۷	۲۳	۳۰	۲۹	۲۸/۹۹	۲۳/۷۶	۴/۸۷	-۰/۱۴	-۰/۶۶	تفکر قضاوتی

با توجه به داده های جدول ۵ می توان استدلال کرد که شاخص های مرکزی نما، میانه، میانگین برای نمره سبک تفکر به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آنها با یکدیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۶۲ و حداکثر آن ۱۱۸ می باشد بنابراین، دامنه توزیع نمرات برابر با ۵۶ نمره می باشد، لازم به ذکر است که ۳ بعد سبک تفکر (سبک تفکر اجرایی، سبک تفکر قانون گزارانه و سبک تفکر قضاوتی) هم گرایش به توزیع نرمال دارند. بیشترین میزان میانگین در بین سبک های تفکر با (۳۲/۵۶) به سبک تفکر اجرایی و کمترین میزان آن نیز با (۲۸/۹۹) به سبک تفکر قضاوتی اختصاص دارد.

جدول ۶: بررسی توزیع شاخصهای مرکزی و پراکندگی متغیر بهزیستی روانشناختی

شاخص های آماری										
بیشترین فراوانی	کمترین فراوان	دامنه تغییرات	نما	میانه	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی	
۳۶۱	۱۸۴	۱۷۷	۳۰۴	۳۰۳	۳۰۳/۷۳	۵۲۸/۰۳	۲۲/۹۷	-۰/۸۷	۱/۱۵	بهزیستی روانشناختی

۱/۰۲	-۱/۱۶	۵/۴۸	۳۰/۰۴	۳۲/۳۰	۳۳	۳۳	۳۲	۸	۴۰	رشد و بالندگی
۰/۸۱	-۰/۸۷	۶/۳۰	۳۹/۷۹	۴۰/۰۱	۴۱	۴۰	۳۱	۱۹	۵۰	خودپیری
۰/۴۶	-۰/۶۰	۴/۱۹	۱۷/۶۱	۳۱/۴۲	۳۳	۳۲	۲۰	۲۰	۴۰	ارتباط مثبت با دیگران
۱/۵۳	-۰/۵۵	۷/۷۲	۵۹/۶۱	۷۳/۱۰	۷۳	۷۲	۵۶	۳۵	۹۱	رضایت از زندگی
۱/۴۱	-۰/۸۱	۶/۹۰	۴۷/۷۱	۵۰/۸۸	۵۲	۵۵	۴۸	۱۷	۶۵	معنویت
۱/۹۸	-۰/۸۱	۷/۹۵	۶۳/۲۴	۷۵/۰۱	۷۶	۸۰	۵۹	۳۶	۹۵	شاد و خوشبینی

با توجه به داده های جدول ۶ می توان استدلال کرد که شاخص های مرکزی نما، میانه، میانگین برای نمره میزان بهزیستی روانشناختی به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آنها با یکدیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۱۸۴ و حداکثر آن ۳۶۱ می باشد بنابراین، دامنه توزیع نمرات برابر با ۱۷۷ نمره می باشد، لازم به ذکر است که ۶ بعد (رشد و بالندگی فردی، خود پیری، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) هم گرایش به توزیع نرمال دارند. بیشترین میزان میانگین در بین ابعاد بهزیستی روانشناختی با (۶۳/۲۴) به بعد شادی و خوشبینی و کمترین میزان آن نیز با (۳۱/۴۲) به بعد ارتباط مثبت با دیگران اختصاص دارد.

تحلیل داده ها

قبل از انجام فرضیه های تحقیق، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف به منظور تعیین نرمال بودن داده مورد استفاده شد، نتیجه اجرای این آزمون در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۷: بررسی مفروضه شیب خط رگرسیون برای متغیرهای وارد شده به مدل

آزمون ها	مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	ETA جزیی
هوش اخلاقی & سبک تفکر	۱۸۸۹۱۷/۶۸۴	۳۴۲	۵۵۲/۳۹۱	۱/۸۲۴	۰/۸۴۴
خطا	۱۱۲۰۶/۰۱۰	۳۷	۳۰۲/۳۶۵		

با توجه به داده های جدول ۷ و مقدار F که برابر با (F= ۱/۸۲۴) و میزان شاخص ETA جزیی که بزرگتر از (p > ۰/۰۵) می باشد می توان بیان نمود که بین متغیرهای مستقل وارد شده به مدل رگرسیون (هوش اخلاقی و سبک تفکر) با متغیر وابسته (بهزیستی روانشناختی) تعاملی وجود ندارد. عبارت دیگر مفروضه یکسانی شیب رگرسیونی رعایت شده و گروه ها از یکدیگر مستقل می باشند.

فرضیه اصلی: بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۸: خلاصه ای از شاخص های آماری و ضرایب مدل رگرسیون برای فرضیه اصلی

شاخص های آماری					مدل
ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین چندگانه (R ^۲)	ضریب تبیین چندگانه تعدیل شده	انحراف معیار ضریب تبیین چندگانه		
۰/۶۲۷	۰/۳۹۴	۰/۳۹۰	۱۷/۹۴۲		بهزیستی روانشناختی
ضرایب غیر استاندارد					مدل
B	خطا انحراف معیار	بتا	ضرایب استاندارد	t	
۱۱۴/۱۴۸	۱۳/۰۰۶			۸/۷۷۶	مقدار ثابت
					سطح معناداری
					۰/۰۰۰

هوش اخلاقی	۰/۵۵۰	۰/۰۷۴	۰/۳۰۶	۷/۴۱۱	۰/۰۰۰
سبک تفکر	۱/۰۸۰	۰/۰۹۳	۰/۴۸۰	۱۱/۶۲۳	۰/۰۰۰

با توجه به داده های جدول ۸ مشاهده می شود سبکهای تفکر و هوش اخلاقی به میزان ۰/۶۲۷ با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه دارند. همچنین با مشاهده مقدار R^2 محاسبه شده برای متغیرها چنین استدلال می شود که سبکهای تفکر و هوش اخلاقی ۳۹ درصد از تغییرات در بهزیستی روانشناختی دانش آموزان را پوشش می دهند. با توجه به میزان ضریب بتا برای متغیر های وارد شده به رگرسیون مشاهده می شود هوش اخلاقی و سبک تفکر به ترتیب به میزان ۰/۳۰۶ و ۰/۴۸۰ با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه دارند، از طرفی با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری آزمون از ($p < ۰/۰۵$) در هر دو متغیر می توان بیان نمود روابط فوق از لحاظ آماری معنادار می باشد عبارت دیگر فرض تحقیق تایید و فرض صفر رد می شود، با توجه به مثبت بودن میزان روابط می توان بیان نمود که با افزایش هوش اخلاقی و بکارگیری سبک های مختلف تفکر، بهزیستی روانشناختی دانش آموزان افزایش می یابد. همچنین متغیر سبک تفکر دلیل دارا بودن ضریب بتا بیشتر نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم و متغیر هوش اخلاقی دلیل دارا بودن ضریب بتا کمتر نسبت به سایر متغیرها کمترین سهم را در تبیین و پیش بینی بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دارا می باشد.

فرضیه اول فرعی: بین هوش اخلاقی با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.
برای آزمون فرضیه فوق از آزمون رگرسیون خطی چندگانه به شرح جداول زیر استفاده شد؛

جدول ۹: آزمون رگرسیون خطی

پارامترهای خطی		خلاصه مدل					
b1	باقیمانده	سطح معناداری	درجه آزادی (۲)	درجه آزادی (۱)	F	ضریب تبیین (R^2)	
۰/۳۴۷	۲۳/۹۴۶	۰/۰۰۰	۳۷۸	۱	۵/۶۸۳	۰/۵۱۹	بهزیستی روانشناختی

با توجه به داده های جدول ۹ و مقدار R^2 محاسبه شده می توان بیان نمود که هوش اخلاقی تقریباً ۵۲ درصد از تغییرات در ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران را تبیین می نماید. از طرفی با توجه به سطح معناداری آزمون ($p = ۰/۰۰۰$) و کوچکتر بودن آن از ($p < ۰/۰۵$) می توان قضاوت کرد که بین هوش اخلاقی با ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم فرعی: بین سبک های تفکر با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد.
برای آزمون فرضیه فوق از آزمون رگرسیون خطی چندگانه به شرح جداول زیر استفاده شد؛

جدول ۱۰: آزمون رگرسیون خطی

پارامترهای خطی		خلاصه مدل					
b1	باقیمانده	سطح معناداری	درجه آزادی (۲)	درجه آزادی (۱)	F	ضریب تبیین (R^2)	
۰/۲۷۳	۱۶/۶۰۳	۰/۰۰۰	۳۷۸	۱	۵/۱۴۲	۰/۴۲۹	بهزیستی روانشناختی

با توجه به داده های جدول ۱۰ و مقدار R^2 محاسبه شده می توان بیان نمود که سبک های تفکر تقریباً ۴۳ درصد از تغییرات در ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران را تبیین می نماید. از طرفی با توجه به سطح معناداری آزمون ($p = 0/000$) و کوچکتر بودن آن از ($p < 0/05$) می توان قضاوت کرد که بین سبک های تفکر با ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در خصوص فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر این که "بین سبکهای تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد." نتایج تحلیل آزمون رگرسیون خطی چندگانه حاکی از این است که آزمون معنادار می باشد. سبک های تفکر و هوش اخلاقی به میزان $0/627$ با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه دارند. همچنین با مشاهده مقدار R^2 محاسبه شده برای متغیرها چنین استدلال می شود که سبکهای تفکر و هوش اخلاقی ۳۹ درصد از تغییرات در بهزیستی روانشناختی دانش آموزان را پوشش می دهند. با توجه به میزان ضریب بتا برای متغیر های وارد شده به رگرسیون مشاهده می شود هوش اخلاقی و سبک تفکر به ترتیب به میزان $0/306$ و $0/480$ با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه دارند، از طرفی با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری آزمون از ($p < 0/05$) در هر دو متغیر می توان بیان نمود روابط فوق از لحاظ آماری معنادار می باشد، با توجه به مثبت بودن میزان روابط می توان بیان نمود که با افزایش هوش اخلاقی و بکارگیری سبک های مختلف تفکر، بهزیستی روانشناختی دانش آموزان افزایش می یابد. همچنین متغیر سبک تفکر بدلیل دارا بودن ضریب بتا بیشتر نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم و متغیر هوش اخلاقی بدلیل دارا بودن ضریب بتا کمتر نسبت به سایر متغیرها کمترین سهم را در تبیین و پیش بینی بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دارا می باشد.

در تبیین این یافته می توان بیان نمود که با توجه به ظهور رویکرد مثبت نگر به سلامت روانی در سال های اخیر، بهزیستی روانشناختی به عنوان رشد استعداد های واقعی هر فرد، توجه مجامع علمی را به خود جلب نموده است که در این میان شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن دارای اهمیت اساسی است. بر اساس نتایج پژوهش، هوش اخلاقی و سبک تفکر تأثیر معناداری بر بهزیستی روانشناختی داشتند. بنابراین مد نظر قراردادن اخلاقیات و نحوه اندیشیدن و تفکر دانش آموزان در مدارس، می تواند زمینه ساز ارتقای بهزیستی روانشناختی آن ها گردد.

در خصوص فرضیه اول فرعی تحقیق مبنی بر این که "بین هوش اخلاقی با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد." نتایج تحلیل آزمون رگرسیون خطی چندگانه حاکی از این است که آزمون معنادار می باشد. با مشاهده مقدار R^2 محاسبه شده می توان بیان نمود که هوش اخلاقی تقریباً ۵۲ درصد از تغییرات در ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران را تبیین می نماید. از طرفی با توجه به سطح معناداری آزمون ($p = 0/000$) و کوچکتر بودن آن از ($p < 0/05$) می توان قضاوت کرد که بین هوش اخلاقی با ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

در تبیین این یافته می توان بیان نمود که در سه دهه گذشته بهزیستی روانشناختی و کوشش برای تبیین و ارتقای آن همواره از موضوعات حائز اهمیت در پژوهش های روانشناختی بوده است. تحلیل سوال اول فرعی نشان داد که با تاکید بر ابعاد هوش اخلاقی می توان بهزیستی روانشناختی دانش آموزان را پیش بینی کرد. امکان تبیین پراکنش بهزیستی روانشناختی دانش آموزان با اطلاع از ابعاد هوش اخلاقی یک دستاورد روانشناختی بالارزش است که می توان آن را در راستای برنامه ریزی بهتر برای ارتقای بهداشت روانی دانش آموزان به کار بست. در ارتباط بین هوش اخلاقی و بهزیستی روانشناختی میتوان چنین استدلال کرد

که هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش است که میتواند در استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصیتی، ارتباط مثبت با دیگران و هدفمندی در زندگی و پذیرش خود که از ویژگیهای بهزیستی است ارتباط تنگاتنگ برقرار کند و و این دو مؤلفه تاثیر مثبت بر هم داشته باشند.

در خصوص فرضیه دوم فرعی تحقیق مبنی بر این که "بین سبک های تفکر با ابعاد بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد." نتایج تحلیل آزمون رگرسیون خطی چندگانه حاکی از این است که آزمون معنادار می باشد. با مشاهده مقدار R^2 محاسبه شده برای متغیرها چنین استدلال می شود که سبک های تفکر تقریباً ۴۳ درصد از تغییرات در ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران را تبیین می نماید. از طرفی با توجه به سطح معناداری آزمون ($p = ۰/۰۰۰$) و کوچکتر بودن آن از ($p < ۰/۰۵$) می توان قضاوت کرد که بین سبک های تفکر با ابعاد بهزیستی روانشناختی (رشد و بالندگی فردی، خود پیروی، ارتباط مثبت با دیگران، رضایت از زندگی، معنویت و شادی و خوشبینی) دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

در تبیین این یافته می توان بیان نمود که امروزه در نظام های تعلیم و تربیتی توجه زیادی به پرورش مهارت های تفکر می شود و کودکان آموزش می بینند که چگونه با استفاده از فکر خود زندگی کنند. بنابراین به نظر می رسد شناخت سبک های تفکر (به عنوان الگو و روش ترجیحی فرد در استدلال، ارزیابی و قضاوت) و کاربرد آن در زندگی روزمره و در زمینه های متفاوت می تواند روشنگر باشد. از سوی دیگر بهزیستی روان شناختی متأثر از عوامل شخصیتی از جمله سبک تفکر فرد می تواند باشد و مؤلفه ای مهم در سلامت آنان است و برای مراقبت مؤثر کودکان در جامعه ضروری است لذا ضرورت رشد و توسعه تفکر منطقی، با بکارگیری سبک های تفکر مناسب به عنوان عوامل مؤثر بر بهزیستی روان شناختی در بین دانش آموزان بیشتر محسوس است.

محدودیت ها و مشکلات تحقیق

محدودیت این تحقیق در دو بخش ارائه میشود.

الف: محدودیت های تحت کنترل محقق:

-جامعه آماری این تحقیق محدود به کلیه دوره متوسطه منطقه ۱۶ شهر تهران است در نتیجه تعمیم این یافته ها به جامعه دیگر باید با احتیاط صورت گیرد.

-محدودیت در ابزار جمع آوری اطلاعات بطوریکه در این تحقیق از ابزارهایی چون مطالعات اسنادی و پرسشنامه استفاده گردید.

ب: محدودیت های خارج از کنترل محقق:

-تاثیر ویژگی های شخصیتی آزمودنی ها بر پاسخدهی به سوالات پرسشنامه .

-عدم توانایی کنترل کامل متغیرهای مداخله گر و مزاحم همانند تاثیر سن، بهره هوشی، رشد اخلاقی و اجتماعی بر پاسخدهی به سوالات پرسشنامه.

-عدم امکان کنترل میزان دقت و صداقت پاسخگویان.

- به دلیل محدودیت های زمانی و اجرایی در سنجش متغیرهای تحقیق، تنها به نمرات پرسشنامه اکتفا شده است.

پیشنهادهای

پیشنهادهای مبتنی بر یافته های تحقیق

۱-با توجه بر این که در این تحقیق مشخص شد که بین سبک تفکر و هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه وجود دارد و وجود دارد لذا به والدین پیشنهاد می گردد:

-به فرزندان خود اجازه دهند به طور شفاف اصول، ارزشها و باورهایشان را بیان کنند.

-مسئولیت اشتباهات و شکست های فرزندانیشان را بر عهده خود قرار ندهند.

-وقتی فرزندان تصمیمی را گرفتند و نتیجه آن اشتباه از آب در آمد سعی کنند به آنها بفهمانند که به اشتباه خود اعتراف کنند.

- به کودکان خود بیاموزند قبل از انجام کار به آینده آن ببانندیشند.

۲- با توجه بر این که در این تحقیق مشخص شد توانایی در بخشش اشتباهات دیگران بیشترین سهم را در تبیین و پیش بینی بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دارا می باشد لذا به والدین پیشنهاد می شود ، به کودکان خود بصورت مستقیم یا غیر مستقیم آموزش مهارت بخشش را دهند .

۳- با توجه بر این که در این تحقیق مشخص شد که سبک تفکر اجرایی بیشترین سهم را در تبیین و پیش بینی بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دارا می باشد لذا به والدین پیشنهاد می شود جهت افزایش بهزیستی روانشناختی کودکان مباحثی که به سبک تفکر اجرایی مرتبط است را به آنها آموزش دهند.

همچنین به خانواده های پیشنهاد می گردد :

-به کودکان خود نشان دهید که آنها زندگی جداگانه ای از شما دارند.

-شرایط را برای گذر از بازی به مسئولیت فراهم کنید.

-مسئولیت افراد خانواده را مشخص کنید.

-در تصمیم گیری ها بر مسئولیت فردی تأکید کنید.

-از پاداش ها استفاده ی بجا بکنید.

-ترجیحاً پاداش غیر مادی استفاده کنید.

پیشنهاد به محققان دیگر

۱- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می گردد این پژوهش در سطح گسترده تر و با نمونه های بزرگتری انجام شود تا نتایج معتبرتری بدست آید.

۲- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می گردد این پژوهش را در استانهای دیگر انجام دهند.

۳- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می گردد برای جمع آوری اطلاعات علاوه بر پرسشنامه از شیوه های دیگر (مصاحبه، مشاهده و ...) استفاده شود و اطلاعات تنها متکی به پرسشنامه نباشد.

منابع و مراجع

- [۱] ابطی، معصومه السادات. ندی، خدیجه (۱۳۹۰)، رابطه هوش اخلاقی با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان متوسطه شهر زنجان، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره ۱۰، ۱۵-۲۸-۱۷-۴۱-۲۷-۸۶-
- [۲] احمدوند، زهرا. حیدری نسب، لیلا و شعیری، مونا. (۱۳۹۱)، تبیین بهزیستی روان شناختی بر اساس مؤلفه های ذهن آگاهی، فصلنامه علمی-پژوهشی. شماره ۲، ص: ۲۶-۲۹
- [۳] آراسته، حمید رضاوهمکاران. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال سوم شماره ۱۰، ص ۲۰۱
- [۴] انصاف، خدیجه (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک مدیریت و تفکر مدیران با اثربخشی آنان از نظر دبیران دبیرستان های دختران شهرستان های استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ص: ۶۷-۱۱-۶۶
- [۵] بیانی، بهجت (۱۳۹۵)، رابطه ی ابعاد بهزیستی روانشناختی و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه آزاد آزاد شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ص: ۲۲-۱۱-
- [۶] بهشتی فرد، ملیکه (۱۳۹۱)، تاثیر هوش اخلاقی در سازمان ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان سومین همایش ملی بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی، ص: ۶۳-
- [۷] تورانی، حیدر (۱۳۹۱)، اهمیت تفکر و تعقل منطقی در تعلیم و تربیت، تهران: مجله تربیت، دوره هشتم، شماره ۵، ص: ۷۳-۷۴
- [۸] دادستانی، پریخ (۱۳۸۶)، روانشناسی مرضی تحولی، از کودکی تا بزرگسالی، جلد دوم. تهران: انتشارات سمت. ص: ۴۰-
- [۹] دهقانیان، جعفر (۱۳۹۰)، بررسی تاثیرنوع تفکر مدیران بر کیفیت زندگی کاری معلمان آموزش و پرورش شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ص: ۹۳-۹۴-۱۱
- [۱۰] رحیم پور، فرهاد (۱۳۹۵)، بررسی رابطه سبک تفکر مدیران با کیفیت زندگی کاری کارکنان آموزش پرورش شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ص: ۷۲-۳۸-
- [۱۱] سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، روانشناسی پرورشی نوین، تهران: انتشارات دوران، چاپ چهل و دوم. ص: ۲۹۱-۵۹-
- [۱۲] شالچیان، طاهره (۱۳۹۶). چگونه می توان نسلی متفکر و خلاق تربیت کرد. تهران: مجله تربیت، دوره اول، شماره ۴. ص: ۵۱-
- [۱۳] عزیزی، نادیا (۱۳۸۹)، فراموشی سازمانی رویکردی نوین در مدیریت دانش، فصلنامه علمی پژوهش. پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. ص: ۲۵-
- [۱۴] لیوارجانی، شعله و غفاری، سارا (۱۳۹۰)، بررسی رابطه هوش هیجانی رابطه هوش هیجانی و بهزیستی روانشناختی دانش آموزان مقطع دوم متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، نشریه علوم تربیتی، شماره ۹، ۷۱-۸۸.
- [۱۵] مختای پور، مرضیه (۱۳۸۸)، بررسی مقایسه ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه اندیشمندان و قرآن کریم فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلام در روان شناسی، ص: ۲۹-
- [۱۶] مشایخ، پری جان. (۱۳۹۱)، عنوان بررسی رابطه بین اخلاق کار اسلامی و خلاقیت کارکنان ادارات شهرستان کازرون، نشریه اسلام و مدیریت سال اول بهار و تابستان شماره ۱، ص: ۸۶-
- [۱۷] معبد فرد سعید. (۱۳۹۵)، اخلاق کار و عوامل موثر بر آن در کارکنان ادارات دولتی، فصلنامه رفاه اجتماعی سال ششم، زمستان. ص: ۱۴۲-
- [۱۸] منصور، محمود. (۱۳۸۸) روانشناسی ژنتیک، تهران: انتشارات رشد جلد دوم، ص: ۱۱۰-۱۱۲-
- [۱۹] هاشمی، حامد (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر هوش سازمانی بر مدیریت دانش در سازمان های دانش محور، همایش ملی هوش سازمانی، ۲۹ و ۳۰ اذرماه ۱۳۸۹. ص: ۷۹-۸۳-
- [20] Cohen , O , and Dekel , R . (2013). sense of coherence ways of coping and well-being, contemporary family therapy vol (22) , 467-486
- [21] Diner E. (2013). positive psychology and Psychological in uiry.4 ed .Tehran:arasbaran publication ; P.115-120.

- [22] Durm, w.m, glaze, E.P. (2011). Relation of self acceptance and acceptance of others. psychology Reports . vol (88) , 410-435
- [23] Harvey. K. &, Kemps,E. (2015).Optimism , coping style and emotional well-being British journal of health psychology .vol (10),312-321.
- [24] Keyes, C. l.&Ryff, C. D. (2012).Optimizing well-being: The empirical encounter of traditions. Journal of personality and social psychology, 82, 1007-1022.
- [25] Sacks SL, Garcia S, Cabezas C, Tzafrir S(2012). Predictors of Quality of Work and Poor Health among Primary Health- Care Personnel in Catalonia: Evidence based on Cross- Sectional, Retrospective and Longitudinal Design. International Journal of Health Care Quality Assurance; vol : 21 , issu :2
- [26] Segerstom,S.C. &Spencer,T.E. (2011). optimism: effect on cellular immunity: journal of personality and individual difference vol(35).P:687-782
- [27] Wissing,M.P.,&Vaneden,C. (2014). Psychological well being: Measurement and constrict clarification.P:45-